

بررسی الگوهای تربیتی در قرآن کریم

۱. مهدیه امیری (نویسنده مسئول) ۲. فاطمه حیدری ۳. سمانه عباس زاده ۴. صدیقه عباس زاده

۱- دبستان دخترانه فضیلت بیدخون منطقه عسلویه

amiri.۶۴mahdieh@gmail.com

۲- مدرسه استقلال بزباز منطقه عسلویه

Fm.aban۷۱@Yahoo.com

۳- دبستان کوثر خواجه مراد پایه ششم منطقه گله دار

smanhabaszadh۸۷۹@gmail.com

۴- آموزگار پایه دوم آموزشگاه شهید ابولی قلعه محمد علی منطقه مهر

abbasedegheh۵۱@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: قرآن کریم، همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگوهایی برای مؤمنان ذکر می کند. آنان با وجود محیط ناسالم، طریق صلاح و رستگاری را برگزیدند.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش قرآن به تأثیر پذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان دارد و به او نسبت به تأثیرات آنها هشدار می دهد.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که به رغم وجود عوامل محدودکننده انسان مانند وراثت، طبیعت و جامعه انسان می تواند به اراده خود مسیر خویش را برگزیند و از حصار عوامل محدودکننده در اطراف خود بیرون آید، حتی این توانایی را پیدا می کند که سرنوشت جدیدی را برای جامعه و تاریخ خود رقم زند.

کلید واژه: الگو، قرآن کریم، وراثت، طبیعت.

مقدمه

قرآن کریم پیامبر اسلام(ص) را سرمشق و الگوی مطلق در همه ابعاد زندگی برای همه خداجویان و کسانی که اعتقاد به رستاخیز دارند، معرفی می کند: «بی تردید، برای شما در همه ابعاد (چه در صبر و مقاومت و چه در دیگر اوصاف و افعال نیکو) اسوه و الگوی نمونه در (اقتدای به) رسول خدا(ص) است. [۱].

برای آن که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند. «قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام(ص) را به عنوان اسوه و الگوی تربیت مردم معرفی می کند و از او به عنوان صاحب «خُلُق عظیم» یاد نموده است: «و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری» [۲]

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و و کتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

برترین الگوی تربیتی قرآن

پیامبر گرامی اسلام (ص) به سبب «خُلُق عظیم» و «رحمة للعالمین» بودن، آینه مکارم اخلاقی برای همگان است، تا آنجا که بارها می فرمودند: «من فقط برای تکمیل و تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث گشته ام.» [۳]

و در آیه ذیل، خداوند در اوجی تماشایی، رسولش را به داشتن چشم محبت و رحمت و لطف همراه با شکیبایی با مؤمنان می ستاید و به حبیب مهربانش، حضرت محمد(ص)، مباحثات می کند: بی تردید، پیامبری (حضرت محمد (ص)) از میان خودتان (از پیکره خودتان) به سوی شما آمده است که رنجهای شما بر او به غایت ناگوار است [۴].

قرآن کریم در وصف انبیای الهی می فرماید: «فبعث الله النبیین مبشّرین و منذرین» خداوند پیامبران را نویددهنده و بیم دهنده برانگیخت و نیز می فرماید: «و ما نرسل المرسلین الا مبشّرین و منذرین» ما انبیا را نفرستادیم، مگر در حالی که نویددهنده و بیم دهنده بودند. قرآن کریم در چند آیه تصریح می کند: «آتما انت منذر من یخشیها» همانا کسانی که خشیت الهی دارند آنها را می ترسانی و نیز می فرماید: «لینذر من کان حیاً» پیامبر به وسیله قرآن، کسانی را که حیات انسانی دارند و قلب آنها سالم و پاک است می ترساند. [۵]

روش موعظه و اندرز

قرآن کریم، یکی از روشهای مؤثر در تربیت روحی انسانها را «موعظه و اندرز» می داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش نموده گرچه خود قرآن کتاب موعظه و اندرز است که از طرف پروردگار برای شفای بیماری های درونی انسان و کسب فضایل اخلاقی نازل شده است. چنان که قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الناس قد جاءکم موعظة من ربکم و شفاء لما فی الصدور» ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و درمان آنچه در سینه هاست، گرچه از این موعظه قرآن فقط اهل تقوا و بهره مند می شوند. «و موعظة للمتقین» این تعبیر در چهار مورد از قرآن آمده است. قرآن کریم پر از ارشاد و اندرز است. سراسر سوره لقمان و دیگر قصص قرآن، بیشتر جنبه پند و اندرز دارد. [۶]

چنان که لقمان حکیم برای تربیت فرزندش او را موعظه می نمود: «اذ قال لقمان لابنه و هو يعظه»، زمانی که لقمان به فرزندش گفت و حال این که او را موعظه می کرد، این چنین موعظه نمود: «يا بني لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم» (سوره لقمان، آیه ۱۳) پسر! برای خدا شریکی مگیر، زیرا شرک ستمی بزرگ است. از دیدگاه قرآن کریم، انسان در سراسر عمر، به موعظه و پند و اندرز نیازمند است، چه نوجوان باشد چه عمر او زیاد باشد. [۷].

بنابراین قرآن موعظه لقمان به فرزند نوجوانش را چنین بیان می کند: «پسر! برای خدا شریکی مگیر، زیرا شرک ستمی بزرگ است.» همچنان که موعظه خداوند به حضرت نوح را که عمر طولانی داشت، نیز بیان می کند. [۸]

روش نصیحت و خیرخواهی

یکی از روشهای مؤثر برای تربیت نفس که قرآن بدان اشاره نموده است، روش «نصیحت و خیرخواهی» است. قرآن کریم انبیا و پیشوایان دینی را نصیحت کنندگان و خیرخواهان بشر معرفی می نماید که در سوره «اعراف» قرآن کریم از چهار نفر آنها یاد می نماید: حضرت نوح (ع)، حضرت هود (ع)، حضرت صالح (ع)، حضرت شعیب (ع). حضرت نوح (ع) می فرماید: «ابلاغکم رسالات ربی و انصح لکم» (سوره اعراف، آیه ۶۲) پیامهای پروردگار را به شما می رسانم و شما را نصیحت می کنم. حضرت هود (ع) گوید: «ابلاغکم رسالات ربی و انا لکم ناصح امین» (سوره اعراف، آیه ۶۸) رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و خیرخواه امینی برای شما هستم [۹]

حضرت صالح (ع) گوید: «يا قوم لقد ابلاغتکم رسالات ربی و نصحت لکم و لکن لا تحبّون الناصحین» ای قوم! من رسالات پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی را انجام دادم، ولی شما خیرخواهان را دوست ندارید. حضرت شعیب (ع) گوید: «لقد ابلاغتکم رسالات ربی و نصحت لکم» (سوره اعراف، آیه ۹۳) من رسالات پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم. [۱۰]

وصیت به خیر و حق

قرآن کریم، یکی از روشهای مؤثر و مفید در تربیت را مسئله «وصیت» دانسته است. وصیت به عنوان یک روش تربیتی فقط در هنگام مرگ و آن هم برای تقسیم اموال و تعیین تکالیف به کار نمی رود، بلکه وصیت که به معنای سفارش و خواستن بعضی از امور است، به صورت گسترده در شریعت اسلام برای بیان وظایف فردی و اجتماعی و رعایت مسایل اخلاقی به کار رفته است [۱۱]

قرآن کریم از حضرت عیسی (ع) نقل می کند: «و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیاً» خداوند به من وصیت و سفارش کرد که تا وقتی زنده هستم، نماز بخوانم و زکات بپردازم. خداوند به انسان سفارش می کند که «و وصینا الانسان بوالديه حسنا» با پدر و مادر خود به خوبی رفتار کند، ولی اگر آنها فرزندان خود را وادار کنند که: «لتشرك بی ما لیس لك به علم فلا تطعهما» آنچه را که نمی دانند شریک خدا قرار دهند، در این صورت نباید از آنان اطاعت کنند. قرآن کریم می فرماید انسانها در قیامت در خسران و زیان هستند، مگر کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند و مردم را به حق و حقیقت و صبر و استقامت و فضایل اخلاقی و مکارم نفسانی توصیه کنند. [۱۲]

روش تفکر در طبیعت

در قرآن کریم بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به ظواهر طبیعت می کند. ابعاد گوناگون جلوه ها و زیبایی های آن را یادآور می شود. در اغلب این آیات، ما را توصیه به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی آن می کند. [۱۳]

بی گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هر چند به نکاتی اشاره دارد که پس از قرنهای اهمیت و حساسیت آن شناخته شده و خبر از این حقیقت می دهد که گوینده آن در اتصال به مبدأ الهی و آفریننده جهان است. آفریننده ای که از همه چیز خبر دارد و با آگاهی آنها را پدید آورده و برای ما رام کرده است. قرآن کتاب هدایت است و منظور از ذکر این شگفتی ها تدبیر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه های آن در اصل خلقت است. [۱۴].

از این رو در آیات مختلف به تدبیر و تفکر در طبیعت دستور داده است. چه آنها که به تفکر در مجموعه خلقت امر کرده و چه آنها که به اندیشه در جزء جزء آن، مانند زنبورعسل، شتر، کوه ها و نهرها، درختان و میوه ها، باران، آفتاب و ماه، خواب و

غیر آن فرمان داده است. جهان آفرینش آنقدر حیرت انگیز و شگفت آور است که بشر عادی هیچگاه نمی تواند مدعی شود که به تمامی اسرار آن واقف گشته است. و آنچه تاکنون بدان دست یافته، در برابر مجهولاتش همچون قطره ای در کنار اقیانوس بیکران است. [۱].

بر اساس تعلیم قرآن کریم، شماره موجودات الهی و اسرار آن، پایان ناپذیر است. قرآن کریم می فرماید: «یعلمون ظاهرا من الحیة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون» آنان جز ظاهری از زندگی دنیا نمی دانند و از ورای آن که جهان آخرت است غافل اند. [۲]

قرآن کریم می فرماید: «... و إن یروا سبیل الرشد لایتخذوه سبیلا و ان یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا ذالک بانهم کذبوا بایاتنا و كانوا عنها غافلین» اگر راه رشد بر آنان عرضه شود دنبال نمی کنند و اگر طریق ضلالت به آنان ارائه شود می پذیرند و این بدان خاطر است که نشانه ها و آیات ما را تکذیب کرده و از آن غافل اند. در حالی که بر اساس آنچه از آیات قرآنی استفاده می شود، تفکر صحیح در پدیده ها و موجودات دنیای طبیعت، به جهت ارتباط و پیوستگی عمیق بین ملک و ملکوت، انسان را به صورت قهری به سوی عالم ملکوت هدایت می کند. [۳]

یاد مرگ و قیامت

قرآن کریم یکی از روشهای مؤثر در تربیت را «یاد مرگ و قیامت» دانسته است. این صحیفه آسمانی وقتی پیامبران الهی را به عظمت و بزرگی یاد می کند، می فرماید: یاد قیامت و سرای آخرت بود که آنها را به این مرتبه والا و مقام و منزلت عالی انسانی رسانید. «به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را صاحبان (دستهای نیرومند) و (چشمان بینا) ما آنها را با خلوص ویژه ای خالص کردیم و آن یادآوری سرای آخرت بود و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند». قرآن کریم علت تباهی و سقوط افراد گنهکار را فراموشی قیامت و روز حساب دانسته و می فرماید: «کسانی که از راه خداوند گمراه شوند عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند». [۴]

مراقبه و محاسبه

یکی از روشهای تربیت در قرآن کریم «مراقبه و محاسبه» است که علمای اخلاق و ارباب معرفت درباره این موضوع بسیار تأکید و توصیه فراوان نموده اند. معنای «مراقبه و محاسبه» مرحوم نراقی در «جامع السعادات» می نویسد: معنای «مراقبه» آن است که همیشه ملاحظه کند ظاهر و باطن خود را تا این که اقدام به معاصی نکند و واجبات از او ترک نشود تا این که در هنگام محاسبه ملامت و ندامت متوجه او نشود. [۵]

. و معنای «محاسبه»، این است: که انسان در هر شبانه روز وقتی را معین کند که به حساب نفس خویش برسد که چه اعمالی را انجام داده و طاعتها و گناهانش را موازنه و سنجش نماید و نفس خویش را سرزنش کند. اگر در طاعت الهی تقصیر نموده یا مرتکب معصیت شده، و شکر نماید خداوند را اگر واجبات را انجام داده و معصیتی از او صادر نشده و شکر زیادتری نماید، اگر موفق به بعضی اعمال خیر و مستحبی شده است. [۶].

قرآن کریم می فرماید: «سفرغ لکم ایة الثقلان» به زودی به حساب شما می پردازیم ای دو گروه انس و جن! قرآن در آیات متعدد موضوع حسابرسی قیامت را مطرح نموده که به جهت اختصار به چند مورد اشاره می کنیم:

1- «و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله» اگر آنچه را در نفس دارید ظاهر سازید یا مخفی کنید، خدا شما را به آن حساب خواهد کرد.

2- «و نضع الموازین القسط لیوم القیامة فلا تظلم نفس شیئا و ان کان مثقال حبة من خردل اتینابها و کفی بنا حاسبین» میزانهای عدالت را در قیامت برپا می داریم، پس هیچ کس مورد ستم قرار نخواهد گرفت و اگر به مقدار یک مثقال از دانه خردل، عمل داشته باشد آن را برای حساب خواهیم آورد و خود ما برای حسابگری کافی هستیم. [۷]

3- «یومئذ الناس اشتاتا لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شر یره» در قیامت مردم دسته دسته خارج می شوند تا اعمالشان را مشاهده کنند پس هر کسی ذره ای کار خیر انجام داده باشد آن را خواهد دید و هر

کس ذره ای کار شر انجام داده باشد آن را مشاهده خواهد نمود. قرآن کریم برای تربیت بشر در مورد فراوانی می فرماید: خداوند رقیب و عالم به اعمال شما است: «همانا خداوند بر اعمال شما مراقب و حافظ و آگاه است.» [۸]

قرآن کریم می فرماید: «و وضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیہ و یقولون یا ولتتنا ما لهذا الکتاب لایغادر صغیره و لا کبیره آلا احصاها و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا» و کتاب نهاده می شود، پس مجرمین را می بینی که از آنچه در نامه عملشان به ثبت رسیده، ترسانند و می گویند: ای وای این کتاب چگونه هیچ امر کوچک و بزرگ را فرو نگذاشته، مگر آن که آن را به شمار آورده است و همه اعمالشان را حاضر می یابند و پروردگارت به هیچ کس ظلم نمی کند. «یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تودلو ان بینها و بینها امدا بعیدا» روز قیامت هر کسی هر عمل خیری را انجام داده، حاضر می یابد و نیز هر عمل بدی را مرتکب شده حاضر می یابد و آرزو می کند که بین او و عملش فاصله زیادی باشد. [۹]

رویکرد تربیتی از دیدگاه قرآن و سنت

رویکرد تربیتی که بر مبنای الگو پذیری از منابع دین اسلام بایستی مورد توجه قرار گیرد، لازمه اش اسلامی بودن و متجلی شدن آثار قرآنی و اسلامی در مجموعه عوامل موثر در آن می باشد که باید این عوامل در رفتار و گفتار و کردارهای خود از آموزه های قرآن کریم و سنت بهره گیری کند. و اما مهمترین عواملی که در جریان رویکرد تربیتی تاثیر گذار می باشد عبارتند از حکومت، مردم و عوامل خارجی یا بین المللی [۱۰]

تربیت در حکومت و دولت اسلامی

اهمیت و نقش حکومت و سیاستگذاری کلان در جامعه در راستای تربیت بر هیچ اندیشمند و عالم آگاه و آشنا به دین و جامعه و مسایل حکومتی و... پوشیده نیست و آگاهان دردمند و زمان شناس به این امر مهم توجه دارند که در صورت عدم تعامل دولت با آموزه های دینی و قرآنی در یک جامعه اسلامی و مشخص نشدن جایگاه دولت و حکومت و فقدان سیاستگذاری کلان بر گرفته از فرهنگ و منابع پر بار قرآنی عدم تعمیق جهان بینی و باورها و ارزشها در راستای تبیین ایدئولوژی اسلامی، هرگز امر مهم رویکرد تربیتی تحقق نخواهد یافت. [۱۱]

در بینش اسلامی که مبتنی بر کتاب قرآن و سنت پیامبر است قدرت و حکومت در خدمت رفع نیازهای مردم و اعتلای جامعه و مورد نقد و بازخواست مردم است. امر به معروف و نهی از منکر به معنای عمیق و وسیع و مستمر آن فلسفه نقد و نظارت مردم و اجتماع بر همه مسایل سیاستگذاری و حکومتی بخصوص قدرت است که در نتیجه یک نقد صحیح و اصولی جامعه به سوی تعالی معنوی و اخلاقی و توسعه یافته فرهنگی حرکت خواهد کرد. [۱۲]

از نگاه علی (ع) حکومت باید برآمده از مردم و مبتنی بر خواست مشروع آنها باشد و چنین است که اگر مردم نیابند علی (ع) با وجود تمام شایستگی هایش یک لحظه حکومت را بر آنان تحمل نمی کند و حکومت را از لنگه کفش خود بی ارزشتر می داند. وجود مرجعیت آگاه به زمان و دارای جهان بینی باز و استراتژی موثر در راستای سیاستگذاری کلان ضروریست و در حاکمیت اسلامی جهت هدایت کارها در جامعه و داشتن حضوری فعال باید «فقیه عادل زمان شناس» باشد تا بتواند ضمن تشخیص و شناسائی ارزشهای دینی و الهی و حفظ سلامتی جامعه و دوری از منافع شخصی، قدرت طلبی، کامجویی و ... دشمنان و دوستان خود را بشناسند و در مقابل ترندها و توطئه ها و فتنه ها به مسئولیتها و وظایف خطیر خویش به نحو احسن عمل نماید و جامعه را به سمت وضعیت مطلوب هدایت نماید [۱۳].

نفوذ ناپذیری در مقابل دشمنان اسلام و قرآن همراه با صالح بودن حاکم باعث می شود تا هم حکومت اسلامی و هم جامعه اسلامی از انحرافات و سلطه های بیگانگان به دور باشد. پیامبر اکرم (ص) و مقابله و مبارزه و عدم نفوذ پذیری ایشان در مقابل دشمنان و آگاهی او به تمامی مسایل اجتماعی و زمانی و جهانی بهترین الگو می تواند برای حاکم جامعه اسلامی باشد چنانچه خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ان یتقفو کم یكونوا لکم الاعداء» اگر بر شما دست یابند برای شما دشمنانی خواهند بود. [۱۴]

سیره پیامبر اکرم(ص) و جانشینان او در تربیت اسلامی

پیامبر گرامی اسلام (ص) و جانشینان معصوم او هدف خود را صرف اجرای قوانین و مقررات و یا فقط تحول و روش حکومت بر مردم و سامان بخشیدن اوضاع نابسامان اقتصادی جامعه و... نبود بلکه مهمترین و عالی ترین هدف تمامی و پیامبران الهی از جمله نبی مکرم اسلام و جانشینان او در ایجاد تحول اخلاقی در افراد و جامعه براساس تربیت اسلامی بوده است. [۱]

قرآن کریم نیز توجه خاصی به این امر مهم داشته و آیات بسیار زیادی در این رابطه آمده است: لقد من الله على المومنین اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين. یعنی در هر آیینی به تحقیق خداوند بر اهل ایمان منت گذارد که در میان ایشان پیامبری را از جنس آنان برانگیخت تا بر ایشان آیات پروردگار را بخواند و روان ایشان را از زوایا دور سازد و به ایشان کتاب و حکمت بیاموزد اگر چه از پیش در گمراهی بسر می بردند. «قل كل يعمل على شاكلته» بگو ای پیامبر - هر کس بر طبق شکل درونی و طبیعت و خویهای خود رفتار می کند» و نفس و ما سویها فالهما فجورها و تقویها قد افلح من ذکیتها و قد خاب من دسیها» [۲]

رسول گرامی اسلامی(ص) می فرماید: علیکم بمکارم الاخلاق فان الله بعثنی بها و ان من مکارم الاخلاق ان يعفو الرجل عن ظلمه و يعطى من حرمه ويصل من قطعه و ان يعود من لا يعود « یعنی: بر شما لازم است که مکارم اخلاق را تحصیل کنید پس به درستی که خداوند مرا مبعوث کرده تا به آنها دعوت کنم و به درستی که چند خصلت از مکارم اخلاق است، عفو از کسی که به تو ظلم کرده، و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته و ارتباط با خویشاوندی که از تو قطع کرده و عیادت از کسی که تو را عیادت نمی کند.» [۳]

و نیز: «انما بعثت لاتم مکارم الاخلاق» این است و جز این نیست که من بر انگیزته شده ام تا مکارم اخلاق را تمام کنم. از مهمترین ویژگیهای پیغمبر اسلام(ص) و جانشینان معصوم ایشان، عبارت از آن بود که در گام اول ایجاد تحول در روح و روان مردم بود و همچنین با آشنا نمودن آنها با خداوند، زمینه تحصیل خصایص پسندیده و اجتناب از صفات رذیله و پست بوده است. چنانچه امام صادق (ع) می فرمایند: «ان البر و حسن الخلق يعمران الدیار و یزیدان فی الاعمار» یعنی: کارهای نیکو و اخلاق پسندیده شهرها را آباد و عمرهای - انسانها - را زیاد می کنند. و اما نکته حائز اهمیت دیگر این است که چگونه می توان خویها و خصلتها را متحول ساخته و فضایل اخلاقی را بسط و توسعه داد؟ [۴].

قرآن می فرماید: «و نفس و ما سویها . فالهمها فجورها و تقویها» یعنی: سوگند به نفس و آنچه او را بیافرید، پس زشتیهای آن و نیکوهای آن را به او الهام کرد. بدون تردید، علم به خیر و شر و تشخیص خوب و بد در اصلاح تربیت در جامعه نقش بسیار موثر دارد و قسمتی از خلقیات مذموم و نکوهیده مردم ناشی از جهل و نادانی است ولی می دانیم که علم، زمانی تربیت در جامعه را اصلاح می کند و با گسترش و توسعه فضایل در جامعه خوشبختی و سعادت به بار می آورد که افراد عالم و حاکمان حکومتی که در هر گونه سیاستگذاری نقش دارند بر طبق علم و اخلاق حسنه گام بردارند و دانسته های خویش را عملاً بکار بندند و گرنه هیچ وقت از علم نتیجه اخلاقی نمایان نشده و رفتار عالم و جاهل یکسان خواهد بود. [۵]

. حضرت امیر المومنین علی (ع) در این رابطه می فرماید: «فان العالم العامل بغير علمه كالجاهل الحائر الذی لا يستفیک من جهله» یعنی: عالمی که بر خلاف علم خود عمل می کند، همانند جاهل سرگردانی است که خطا و صواب را نمی داند و از جهل و نادانی خویش به هوش نمی آید. و اما دومین راه شناخت اخلاق پسندیده مراجعه به طبیب بیرونی است زیرا که روح انسان نیز همانند جسم او دارای دو حالت سلامت و مرض است در قرآن کریم آیات متعددی در مورد افراد مبتلا به مرض روحانی وجود دارد. لذا قرآن کریم می فرماید: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما كانوا یكذبون» یعنی: در دلهاى ایشان مرض است پس خداوند بر آن می افزاید و برای ایشان (منافقان) عذاب درد ناکی است به جهت اینکه (منافقان) دروغ می گویند. [۶]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که قرآن کریم «لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم». رسولی از خود شما به سويتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است، به اندازه ای پیامبراکرم برای هدایت و راهنمایی و رسیدن به سعادت مردم تلاش می کرد و غمناک بود که خداوند در قرآن در چند مورد به آن حضرت تسلیت می گوید و می فرماید: ناراحت و غمناک مباش، از جمله: «جان خودت را به خاطر شدت تأسف بر آنها از دست نده که خداوند به آنچه انجام می دهند عالم است.

منابع و مأخذ

- [۱] ابراهیم، محمد ابوالفضل (۱۹۶۲م) شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیا الکتب العربیه
- [۲] ابن ابی الحدید، (۱۳۸۷) شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربی،
- [۳] ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۴۱۸ق) الکامل فی التاریخ، تحقیق، عبدالله الضیای، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، سوم،
- [۴] ابن سعد، (۱۳۷۴) الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه
- [۵] ابن کثیر، (۱۴۰۷) البدایة و النهایة، بیروت، دارالکتب العلمیه،
- [۶] ابن منظور، (۱۴۱۴) لسان العرب، بیروت، دارصادر،
- [۷] ابن هشام، (۱۳۹۴) السیره النبویه، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، کتابچی
- [۸] ابوالقاسمی، محمد جواد، (۱۳۸۴) بسوی رویکرد تربیتی در جامعه ایران، انتشارات عرش پژو، تهران - ایران
- [۹] ادیب، علی محمد حسین، (۱۳۶۲)، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، ترجمه سید محمد رادمنش، تهران، مؤسسه انجام کتاب،
- [۱۰] اسماعیل علی، سعید و جواد رضا، محمد، (۱۳۸۴) مکتب های و گرایش های تربیتی در تمدن اسلامی، مترجم، بهروز رفیعی، اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ص ۱۵۷-۱۵۸،
- [۱۱] اصفهانی، راغب، (۱۴۱۴) المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم،
- [۱۲] افخمی اردکانی، محمد علی (۱۳۸۶) تبیین روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، فصلنامه نهج البلاغه، شماره ۲۱ و ۲۲، بهمن، ص ۱۶،
- [۱۳] امامی، جعفر، آشتیانی، محمد رضا، (۱۳۵۸)، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه زیر نظر استاد محقق ناصر مکارم شیرازی، ۳ ج، ۵، مؤسسه مطبوعاتی هدف،
- [۱۴] امیری، علی نقی (۱۳۸۵)، «رویکردهای مختلف نسبت به رابطه علم و دین»، پژوهش های دینی، س ۲، ش ۴،